

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیوهی سیاست و حکومت در مرزبان نامه

مولفان: فرامرز نورمحمدزاده توده، فاطمه حاجی زاده

سرشناسه: نور محمدزاده توده، فرامرز، ۱۳۵۲
عنوان و نام پدیدآور: شیوهی سیاست و حکومت در مرزبان نامه
مشخصات نشر: شیروان: شیلان، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۹۶ص
وضعیت فهرست نویسی: فیپای مختصر
شناسه افزوده: حاجی زاده، فاطمه، ۱۳۵۲
شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۳۱۴۶۱

نام کتاب: شیوهی سیاست و حکومت در مرزبان نامه
مولفان: فرامرز نور محمدزاده توده، فاطمه حاجی زاده
ناشر: شیلان
ویراستار: لیلا برازنده مایوان
سال انتشار: بهار ۱۳۹۴
طراح جلد: علی شیردل
تیراژ: ۳۰۰۰
صفحه آرا: ایرج کریمی
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۳۳-۹۴-۲
قیمت: ۶۰۰۰ تومان



فهرست

پیشگفتار.....	۵
مقدمه.....	۷
سعدالدین و راینی کیست.....	۱۱
مرزبان نامه چگونه کتابی است.....	۱۱
اخلاق چه جایگاهی در متون کهن ادبیات فارسی دارد.....	۲۶
دیده گاهای اخلاقی در مکتب‌های مختلف.....	۳۲
رابطه‌ی اخلاق و ادبیات.....	۳۴
اخلاق گرایی در ادب فارسی.....	۳۵
آموزه‌های اخلاقی در ادبیات حماسی.....	۳۶
آموزه‌های اخلاقی در ادبیات داستانی و غنایی.....	۳۶
تجلی اخلاق در مرزبان نامه.....	۵۶
یاد رستاخیز و تدبیر کار آخرت.....	۷۰
اعتقاد به رازق بودن خداوند.....	۷۱
دوستی و همنشینی با بدان.....	۸۱
نتیجه گیری.....	۸۹
منابع.....	۹۳

پیشگفتار

در متون کهن ادب ایران زمین به ویژه دست نوشته‌ها و متون قدیمی که در زمینه‌ی ادبیات تمثیلی و تعلیمی قرار دارند فابل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است

سخن در لباس کنایه و استعاره گفتن در دروه‌ای از تاریخ پرمخاطره‌ی کشورمان ایران نشانگر اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی حاکم بر آن دوره و از دیگر سو قدرت مداری افرادیست که اصولاً با نقد و طبقه‌ی منتقد جامعه تعامل خوبی نداشتند و پذیرای نقد رویا روی و صریح نبودند از سوی دیگر با پژوهش در تاریخ فرهنگی این دیار حضور اهل علم در دستگاه قدرت در دوره‌های مختلف به تأیید رسیده است و جالب این که این پارادوکس به دست هنروران و اندیشمندان و نویسندگان ایرانی حل شده است چرا که هسته‌ی اصلی شکل‌گیری چنین ادبیاتی سعی دارد در قالب پند و اندرز و طنز و داستانهایی زیبا و آراسته مفاهیم اخلاقی و مضامین سیاسی اجتماعی را به شکل موثری به مخاطب عرضه داشته تا لطف و شیرینی سخن باعث پذیرش موغله و پند شود.

فابل یا همان نقل داستان از زبان جانوران به گفته‌ی استاد بهار در کتاب سبک شناسی به این دلیل نسبت به دیگر انواع ادبی ممتاز بوده که پند گویان و ناصحان در یافتند که سخن را صریح و شفاف به ارباب قدرت و سیاست و حکومت نگویند زیرا آن را بی‌اثر پنداشته و بهتر آن می‌دیدند که جمله‌ی خویش را در لباس کنایه و استعاره و تمثیل از زبان دیگران بویژه جانوران ادا کنند.

اگر همین سخن استاد بهار را از منظر جامعه شناسی مورد نقد قرار داده به نکته‌ی بسیار جالبی می‌رسیم که در ادامه می‌تواند ما را در نقد متون تعلیمی قدیمی یاری دهد در این میان آنچه باعث ژرفای ادبیات فابلی شده استفاده به جا و خردمندانه‌ی خالقان آن آثار از

نمادها و رمزهاست در واقع نمادها سبب می‌شوند تا مخاطب جدا از فضای ظاهری و واژگانی اثر با فضای فرا واژگانی آن نیز ارتباط برقرار کند از همین رو بایسته است بحث تحلیل فضا در ادبیات شکل گرفته و برای آشکارتر شده موضوع به متون کهن سری بزنیم در این کتاب سعی شده است تا مضامین سیاسی اجتماعی نقش سیاست مورد واکاوی قرار گیرد.

www.ketab.ir

مقدمه

اخلاق، جمع خُلُق و خُلُق است به معنای سرشت، خوی، طبیعت و امثال آن که به معنای صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی به کار می‌رود که با بصیرت درک می‌شود؛ در مقابل خُلُق که به صورت ظاهری انسان گفته می‌شود، که با چشم قابل رویت است. بسیاری از فلاسفه و حکمای اسلامی، اخلاق را با توجه به همان معنای لغوی تعریف کرده‌اند، حکمای گذشته، روح و نفس غیر مادی انسان را خاستگاه هر گونه رفتار ظاهری و عمل آدمی می‌دانستند و از این رو اصل در اخلاق را توجه به صفات نفسانی انسان می‌دانستند که ثمره اصلاح نفس و درون در رفتارها و اعمال بیرونی به سرعت آشکار می‌شود. از این رو عموم اندیشمندان اسلامی نیز که به اصل وجود نفس اعتقاد داشتند اخلاق را به گونه متناسب با همین مسئله تعریف نموده‌اند.

گاه منظور از اخلاق در اصطلاح اندیشمندان هرگونه صفت نفسانی است که موجب پیدایش کارهای خوب یا بد می‌شود؛ چه آن صورت نفسانی به صورت پایدار و راسخ باشد و چه به صورت ناپایدار و غیرراسخ و چه از روی تأمل و اندیشه صادر شود یا بدون تفکر و تأمل. در عین حال شایع ترین کاربرد اصطلاحی اخلاق در میان اندیشمندان اسلامی عبارت است از «صفات نفسانی راسخ و پایداری که موجب می‌شوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تأمل و تفکر از آدمی صادر شود». مطابق این دسته، تعاریف اخلاق تنها شامل صفات نفسانی پایداری است که در نفس رسوخ کرده باشد و شامل صفات ناپایداری که به صورت ملکه نفسانی در نیامده‌اند نمی‌گردد؛ در این صورت شخص بردباری که به صورت موردی دچار غضب می‌شود یا بخیلی که با تأمل و تفکر فراوان بخششی می‌کند از این تعریف خارجند. بنابراین تعریف اخلاق، هیأتی است استوار و راسخ در جان آدمی که کارها به آسانی و بدون نیاز به تأمل و تفکر از آن صادر می‌شود. در عین حال این تعریف هم شامل فضایل اخلاقی می‌شود و هم شامل رذایل اخلاقی؛ از این رو اگر این هیأت به گونه‌ای باشد که افعال زیبا و پسندیده از

آن صادر گردد، آن را اخلاق نیک و فضیلت می‌نامند و چنانچه آن هیأت به گونه‌ای باشد که موجب صادر شدن افعالی زشت و ناپسند گردد، اخلاق بد و رذیلت نامیده می‌شود. همچنین در خصوص منشا پیدایش این صفات پایدار نفسانی مباحث زیادی طرح شده است؛ برخی معتقدند که این ملکات در اثر تکرار عمل پدید می‌آیند و عده‌ای نیز نقش عواملی مانند محیط و وراثت و از این قبیل امور را مهم می‌دانند. برخی نیز برای این قبیل صفات نفسانی منشایی ذاتی و فطری را قایلند. در عین حال در مفهوم خلق و ریشه لغوی آن، هیچ یک از اینها لحاظ نشده است. گرچه معنای لغوی خلق صفت ثابت و ملکه نفسانی است و در علم اخلاق نیز معمولاً همین معنا مراد است ولی گاهی این واژه در معنای عام‌تری نیز به کار می‌رود و به مطلق صفات نفسانی که منشا افعال اختیاری قرار می‌گیرند اطلاق می‌شود. بر طبق این اصطلاح کار فرد بخیلی که با تکلف بخشش می‌کند نیز کار اخلاقی مثبت محسوب می‌شود و یا کسی که با تامل و تفکر عمل خوبی را انجام می‌دهد نیز متصف به اخلاقی بودن می‌شود.

شهید مطهری تعریفی از اخلاق را می‌پذیرد که هم به چگونه رفتار کردن توجه کرده باشد و هم به چگونه بودن؛ چگونگی رفتار مربوط می‌شود به اعمال انسان که شامل گفتار هم می‌شود و چگونه بودن مرتبط با صفات و ملکات نفسانی است.

اخلاق را می‌توان مرزهای انسانیت دانست. این مرزها در اثر تلاقی دین، فرهنگ، موازین اجتماعی شکل می‌گیرد. در طول دوره‌های مختلف تاریخ ایران که سراسر فراز و نشیب است و هجوم بیگانگان را می‌توان در جای جای آن مشاهده کرد مسائل مختلفی به عنوان نکات اخلاقی در اولویت شاعران و نویسندگان قرار می‌گیرد. ریشه اخلاق گرایی در ادبیات فارسی به دوره پیش از اسلام باز می‌گردد و می‌توان در این دوران نمونه‌هایی از کتاب‌هایی در شرح کلمات قصار اخلاقی همچنین پند نامه‌ها و اندرزنامه‌ها اشاره کرد.

در دوران بعد از اسلام نیز که بخش حکمت چه در بعد عملی و چه در بعد نظری به شکوفایی می‌رسد و می‌توان کتابهای فراوانی را در شرح مضامین اخلاقی نام برد گاهی اخلاق به معنای فضایل اخلاقی نیز به کار می‌رود که در این صورت این واژه در مورد اخلاق نیک و فضیلت‌های اخلاقی به کار می‌رود؛ مثلاً گفته می‌شود دروغ‌گویی کاری غیر اخلاقی است یا عصاره اخلاق عشق و محبت است.

واژه اخلاق به معنای نهاد اخلاقی زندگی نیز به کار رفته است. این کاربرد بیشتر نزد فیلسوفان غربی استفاده شده است.

به بیان دیگر اخلاق در این اصطلاح مجموعه‌ای است از اصول و قواعد بیانگر بایدها و نبایدهای اخلاقی که نوعی استقلال از شخص در آنها وجود دارد؛ اصولی مانند خوبی راستگویی و بدی دروغ‌گویی که افراد آنها را از والدین یا آموزگار می‌آموزند و به نوعی بر اجتماع تکیه دارند و به عنوان ابزاری در دست اجتماع است که بر افراد تحمیل می‌کند. اخلاق به این معنا امری اجتماعی است.

در برخی کاربردها اخلاق به معنای نظام رفتاری حاکم بر یک گروه یا فرقه‌ای نیز به کار رفته است. اخلاق اسلامی می‌تواند به معنای نظام رفتاری مورد پسند مسلمانان و اخلاق مسیحی به معنای نظام رفتاری مورد قبول مسیحیان به کار رود.

همچنین برخی از ابتدا قلمرو اخلاق و مسائل اخلاقی را به حیطه‌های خاصی محدود کرده‌اند؛ به عنوان مثال عده‌ای اخلاق فردی را نفی کرده و مدعی‌اند که بستر شکل‌گیری اخلاق در اجتماع است که در این صورت اخلاق تماماً در اخلاق اجتماعی خلاصه می‌شود. دیگرانی نیز برای اخلاق دامنه گسترده‌تری را تعریف کرده و از انواع اخلاق فردی، اجتماعی، بندگی و اخلاق خانواده سخن گفته‌اند.

نکته پایانی در باره واژه اخلاق این است که گاهی مراد از اخلاقی، درستی و خوبی آن است. وقتی می‌گوییم فلان عمل اخلاقی یعنی آن عمل خوب یا درست است. در این صورت اخلاق را در مقابل ضد اخلاقی به کار برده‌ایم. اما ما درباره مسائل اخلاقی، احکام اخلاقی، نظام‌های اخلاقی، تجارب اخلاقی، وجدان اخلاقی و دیدگاه‌های اخلاقی نیز سخن می‌گوییم؛ در این کاربرد اخلاقی به معنای اخلاقاً درست یا اخلاقاً خوب نیست، بلکه به معنای امور مرتبط با اخلاق است. در این کاربرد اخلاقی در مقابل غیر اخلاقی به کار می‌رود.